

سیر معماری در تاجیکستان

چکیده:

مراحل انکشاف در معماری تاجیک، آ. طاعت اف، صنعت نیاکان ما، آ. نعمت اله او. دیوار نگاره‌های سغدی، ح، صباحی
برگردان و توضیحات: نورعلی مرادی



نیامی ظریف با شیوه هخامنشی از جنس عاج. طول ۲۷۶ میلی‌متر.
گنجینه آمودریا به دست آمده از تخت سنگین.

۷۷



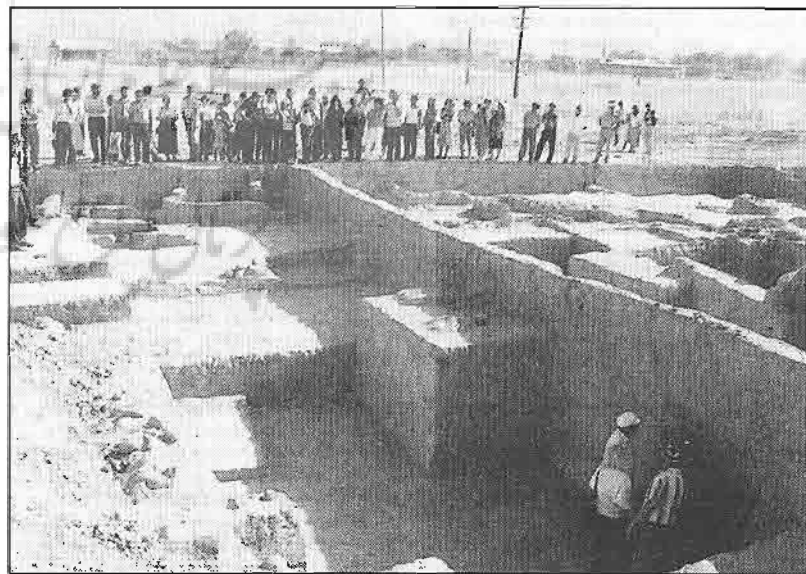
فصلنامه علمی-تخصصی
مطالعات فرهنگی
شماره ۱۷

مصالح مذکور را گذشتگان تاجیک در دو حالت بناکاری مورد استفاده قرار می‌دادند ابتدا آنکه در «چینه»^(۱۰) کاری استفاده می‌گردید و در حالت دوم از آن مواد خشت خام «چهارگوش»^(۱۱) و بعضاً در از «درست»^(۱۲) می‌کردند. هنگام خشت‌ریزی به مواد نامبرده اکثر اوقات «خس و خاشاک»^(۱۳) و گاه ریزه همراه کرده به قالب می‌ریختند و در آفتاب خشک می‌کردند. اصول حاضر هم در معماری مردمی استفاده می‌گردد.

بناهای قدیم‌ترین «گلی»^(۱۴) نثالیتی در سرزم^(۱۵) که در نزد پنجکنت واقع گردیده است باقی مانده است. پژوهش یادگاری‌های تاریخی سرزم را «هیأت»^(۱۶) باستان‌شناسان بین‌المللی به سال ۱۹۸۵ با یاری عالم فرانسوی رالن بازین ول که ترتیب دادن قالب «ریخت شناسی»^(۱۷) سرزم

فن معماری سرزمین باستانی تاجیکستان را با مرز امروز این جمهوری محدود کردن نشاید. ولی ما در اساس باز یافته‌های باستان شناسان خرابه‌های شهرستانهای کهن و یادگارهای تاریخ موجود در حدود تاجیکستان امروزی می‌خواهیم در خصوص وضع تاریخی و مرحله‌ای عمده «توسعه»^(۱) صنعت معماری تاجیک ابراز نظر نماییم. دست یافته‌های باستان‌شناسان گویاست که شکارچیان ابتدایی در هزاره ۸ ق. م برای شکار به ناحیه مرغاب در بدخشان امروزی می‌آمدند. و آ. رانف «باستان شناس مشهور کهن‌ترین نقاشیها را مربوط به پارینه سنگی در غار شختی واقع در پامیر کشف کرد. وی این نقش‌ها را با نقاشیهای معروف پارینه سنگی غار «نیو» در «آریژ» فرانسه برابر می‌داند. از دوره «برنز»^(۲) (هزار ساله دوم تا میلاد) قریب ۵۰۰ یادگار نیز در بدخشان موجود است. ابتدای صنعت بناکاری در سرزمینی که حدود حاضره تاجیکستان را تشکیل می‌دهد به دوره «نوسنگی»^(۳) (عصرهای IV - III تا سالشمار ما)^(۴) تعلق دارد. شاید این تجربه اولین انسان دانه به ساختمان منزلگاه باشد که آنرا با یاری آلت «سنگی»^(۵) بنیاد می‌کرد. یکی از یادگارهای خیلی کلان دوره نثالیت در آسیای میانه باقیمانده‌های سکونتگاه «توت قوول» می‌باشد که مساحت آن ۴۰ متر مربع را تشکیل می‌دهد. در مسافت ۳ کیلومتر دورتر از توت قوول دیهه «صیاد» واقع گردیده است. در آنجا آثار سکونتگاههای تخم شکل با سنگهای آرا داده شده^(۶) موجودند. در آنها داغهای خاکستر زمان نثالیت را پیدا کردن ممکن است. چنین منزلگاه به نیاز و احتیاج قبایل کوچی کاملاً موافق بوده آنها را از سرمای سخت و حمله درندگان وحشی محافظت می‌کرد. به زراعت چیان یکجانشین، تبدیل یافتن کوچیان در هنر بناکاری تأثیر جدی گذاشت. من بعد هنر منزل سازی باید به نیازهای «معیشتی، حکومتی و دفاعی»^(۷) ساکنان آن جواب می‌داد. اکنون در ساختمان برای مصالح بناکاری «گل»^(۸) خاک زرد و سرخ و خاکستری زمینهای دشت و «نزدیک کوه»^(۹) استفاده می‌گردید. این خاک بعد به آب آمیختن به یک ماده چسبک و مستحکم تبدیل

را بعهدہ دارد و دونفر عالمان آمریکایی پروفیسور اونیورسیت گروودو و «رئیس»^(۱۸) موزیوم باستان‌شناسی و مردم‌شناسی پیادنسک و دکتر کالج «والسلی» فیلیپ کالس به کار شروع کردند. در سرزم در کنار منازل، بنای عبادتخانه‌ای کشف گردیده است که میدان آن ۹۷ متر مربع را تشکیل می‌دهد. فرش و دیوارهای معبد بارنگ «گردویی»^(۱۹) مزین شده و در محله هواتاغ^(۲۰) شهر او را تپه شهرکی کشف شده است که شکل معماری و مدنیت آن به دوره آخرین عصر برنج و اول عصر آهن (عصرهای VIII - V تا سالشمارما) منسوبیت دارد. عالمان باستان‌شناس در این محل راجع به ساختمان قلعه‌ها، نقشه‌های گوناگون معماری منزل شهریان، معلومات جالب بدست آورده‌اند که اهمیتهای مهم تاریخی دارند. دستاوردها شهادت می‌دهند که در عصر برنج وقتی اساس جمعیت‌های صنفی ترکیب می‌یافت، مدنیت بناکاری تشکیل یافت تا به درجه صنعت معماری ترقی کرد. همچنین در این زمان سازمانها بنیاد می‌شدند که اساساً با عرف و عادت دینی و واقعه‌های فراموش نشونده وابسته بودند. یادگارهای معماری زمان هخامنشی‌ها (عصرهای VI - V تا سالشمارما) در تاجیکستان حالا هم کم کشف شده است. برای معماری ایرانیان آن دوره استفاده از ستونهای «ردیفی»^(۲۱) با ترتیب که «سقف یکپارچه»^(۲۲) چوبی داشتند یک ویژگی بود «شمعک‌های»^(۲۳) کلان، بناهای «اقامتی»^(۲۴) قصرهای با حشمت هخامنشی پر از ستونهای مرمرین و دیوارها اطرافش از خشت خام آرایش داده، عبارت بودند. این طرز معماری در (تخت سنگین)^(۲۵) قبادیان استفاده شده است. در «آثار خطی»^(۲۶) زمان هخامنشی در آسیای میانه مدنیت شهری و خود شهرها به ترقی سرکردند. از این دوره تا زمان ما درباره شهرهای قدیمی همچون «مارکنده» (سمرقند) کروش ته «کیراپال»^(۲۷) (اوراتپه) معلوماتهای اولین دسترس شدند.

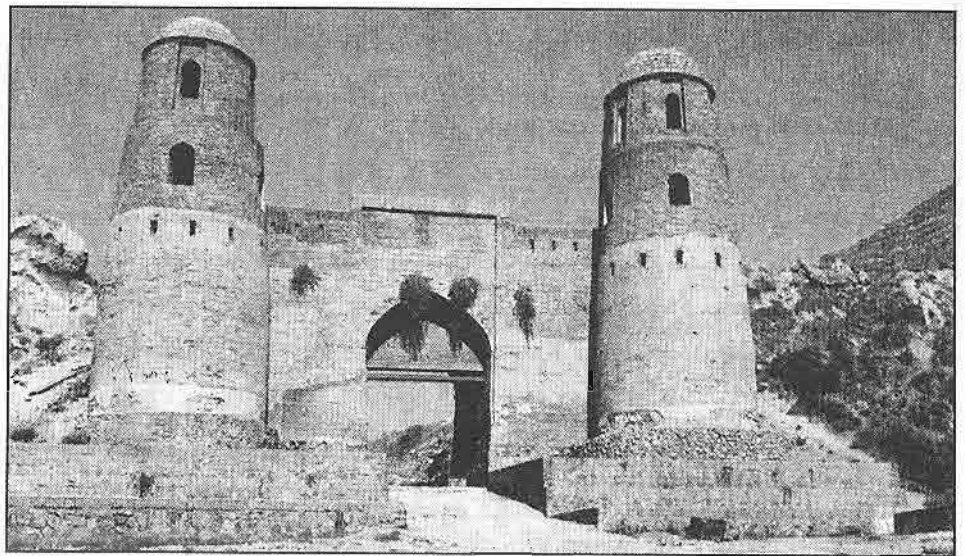


سرزم تپه‌ای نزدیک پنجکنت، IVم

سرچشمه‌های خطی درباره درجه بلندی صنعت شهرسازی، در سیستم متکامل مدافعه و استحکام قلعه‌ها دلالت می‌کند. قشونهای اسکندر ذوالقرنین شهر کیراپال را فتح کرده، نتوانستند و تنها آنرا با حيله و نیرنگ به چنگ آوردند. کیراپال یکی از هفت شهر مهم سغد بوده. باید عرض کرد که در آخر عصر دو ق.م تا سالشمار ما صنعت معماری تاجیک دیگرگونه‌های خیلی مهم کسب نمود که آن قبل از همه در ترقی «تکنیک»^(۲۸) بناکاری عرض وجود کرد. اکثراً سقف خانه‌ها گنبدی شکل بوده به چوب و آهن نیاز نداشتند. علاوه بر این شفته‌های گنبدی نسبت به شفته‌های چوبی مستحکم‌تر بوده، آتش نمی‌گیرد. ساختمان نیز ارزانتر می‌آفتد.

در میانه قرون ۱۱، ۱ قبل از میلاد تا سالشمار ما معماران تاجیک همچون تنهامی معماران آسیای میانه بر دیوارهای خانه‌های استقامتی و «بناهای حکومتی»^(۲۹) طاقهای حجماً گوناگون بنا می‌کردند. این طاقها شکل «نما»^(۳۰) بنا را زیب و زینت بخشیده تا حدی نیازهای مادی معماری آدمان را قانع می‌نمود. بعد چند سده ساختمانهای مدنی تاجیکان وظیفه خود را تغییر داده به محراب - طاقهای نمازخوانی تبدیل یافتند. از ابتدای سده ۱ بنیاد کردن دیهه‌های کلان با تپ شهری بوجود آمد که دروازه آن «برج»^(۳۱) هم محسوب می‌شد. باقیمانده چنین دیهه، در شهرچه «یاز تپه» مرغاب محفوظ است که ارک آن از خشت خام ساخته شده است. در اینجا اتاق کلان پذیرائی، «حیاط» و حجره‌های زیادی جاگیر بودند. شهبه‌ای نیست که این بنای با حشمت ارک دار، اقامتگاه حاکم محلی آن دیار بود. در آخرین سده‌های ق.م. تا سالشمار ما و نخستین سده‌های سالشمار ما مدنیت شهری در آسیای میانه نشو و نما می‌یابد. در سرزمین شرق میانه بیش از پیش مدنیت «هلنیسم شرقی»^(۳۲) جاری می‌گردد. این زمان است که در سرزمین تاجیکستان یک قطار دولت‌های غلامداری بوجود می‌آید آنها با دولت‌های همسایه رابطه مستحکم پیدا می‌کنند که این رابطه در تغییر و پیشرفت صنعت معماری ماوراءالنهر تأثیر مثبت می‌رساند. با دیوارهای وسیع و قطور و ارک‌های از خشت خام و پاخسه ساخته شده، ستونهایی با آرایش «کرتنی»^(۳۳) بنا می‌شدند. گذشته از این بناهای اساسی، قصرها و ارک‌ها با «پیکره‌های»^(۳۴) «پر شمار»^(۳۵) لائینی خوشرنگ، زیب و زینت داده می‌شدند به مورد است تأکید نمایم که «سنت»^(۳۶) مجسمه‌سازی بین تاجیکان تا هجوم اعراب مروج بوده است. در تاجیکستان یک تعداد ستونهای سنگی مربوط به زمان «باخترها» و «کوشانیها» پیدا شدند که به نمونه آثار یونانی نزدیکند. «سرستونها»^(۳۷) نیز با آرایش «کارنلی» با گچ یافت شده‌اند که با زیبایی و دلربایی خاص خود از صنعت غرب (یونان) فرق می‌کنند و به هنرهای نفیس «یونان - گندها را» نزدیکند.

شهر چه «کیقباد شاه»، «قلعه میر» و «کهنه قلعه» که در جنوب تاجیکستان موقعیت دارد، شهادت دهنده ساختمان شهرها در آن روزگارند. آنها پلان «چهارگوش»^(۳۸) داشته که با برجک‌های بلند



دروازه شهر باستانی حصار: ۵ کیلومتری
غرب دوشنبه شهر

«کنگره‌های»^{۳۹} احاطه شده بودند. نقشه داخلی شهرها از روی فکر و نیت معماری به دو دسته بناهای اساسی و غیراساسی بخش شده بودند. عادتاً کوچه مرکزی از دروازه ارک دار سرشده تا میدان امتداد دارد که در آنجا بنای قصر و عبادتخانه جایگیر بود. شهر چه «کهنه قلعه» به قاعده‌های معماری چندان موافقت ندارد. آن به حوالی‌های داخلی کلان و محله‌ها تقسیم شده است. کمپلکس قصرهای شهرچه «سخسناخور» که در ناحیه «فرخار» موقعیت دارد، خصوصیت‌های خاص را داراست. پلان آن راست کنجه و در گرداگردش عمارت و راهروهای دو را دور است. حوالی داخلش ستوندار بوده به «تالار»^{۴۰} ایوان‌های گشاده پیوست می‌شود که با طرز معماری یونانی بکلی فرق می‌کند.

از ابتدای سالشمار میلادی در قلمرو آسیای میانه دین بودایی جاری شد. در امپراتوری کوشان پهن شدن آن دین باعث برهم خوردن دینداری موجوده محلی و عنعنه‌های آن نگردید. دین بودایی در رشد تمدن مردم این سرزمین آثار عمیق گذاشت. تمدن کوشانی آمیزش سه مدنیت غرب قدیم، باختر قدیم و مدنیت کوچی می‌باشد که بعدها پایه‌های توسعه مدنیت عصر میانگی آسیای میانه را گذاشت.

دیرهای یادگاری با حجره‌های زیرزمینی راهبان، قصرهای روی زمینی، «پلکان»^{۴۱} و غیره که در قلمرو تاجیکستان پیدا شدند از پهن شوی دین بودایی شهادت می‌دهند. نمونه برجسته، آن قصر با حشمت بودایی عهد کوشانیان در محل «شتر ملا» قبادیان می‌باشد که در ساحل دریای آمو جایگیر است. قصر از مجموع بناها و زینه‌ها عبارت است که پایه‌ها با تخته سنگهای روی کش شده است. اصول معماری که در ساختمان آن استفاده گردیده با معماری پیشین چندان فرقی ندارد.

پیدایش جمعیت فنودالی گامی جدی در رشد و تکامل معماری هم بود. اختراع گنبد در عمارت‌سازی خصوصاً کاخها و قصرها انقلابی بود آن زمان یعنی سده‌های III IV آسیای میانه به یک دسته ولایت‌های خرد و مستقل بخش بخش بود: تخارستان، بلخ، ختل، واخان

(وخان) استروشن، سغد، پنجکت، خجند، فرغانه، و غیره. در بناکاری و معماری «هیچ»^{۴۲} تغییرات جدی بعمل نیامده است. در همه جا اصول یگانه بناکاری چه از نگاه شکل چه از لحاظ «ساختار»^{۴۳} وجود داشت. در عمارت سازی خشت خام حتماً یکدست کلان و دراز را استفاده می‌نمودند. پلان مدور ارک‌ها و گنبدها بیشتر تخم شکل گردید. پیش از هجوم اعراب در برخی جاها، ارک‌های نوک تیز پیدا شده که در بنای آنها «آجر» مورد استفاده قرار گرفت. معماری با شکوه سده‌های VI - VII خیلی خوش نمود و با نزاکت بود. در تاجیکستان امروزی از آثار مدنیت مادی آن زمان «قلعه چل حجره» به ما یادگار مانده است. گوناگونی نقش و نگار، طرح و اسلوب بناکاری قلعه چل حجره آینه تمام نمای صنعت بناکاری نیاکان تاجیک تا هجوم اعراب می‌باشد. چل حجره اهمیت معماری خود را با امروز هم گم نکرده است.

بررسی صنعت ناتکرار معماری پنجکت، هولبوک^{۴۴}، شهرستان و دیگر شهرهای باستانی بیننده را مفتون کرده از درجه بلندی هنر گذشتگان گواهی می‌دهد. نقاشی پنجکت خیلی عجیب است. در آن پارچه داستانهای خلقی که بعدتر در شاهنامه فردوسی وصف شدند، نقش شده‌اند. در یکی از نقش و نگارهای دیوار «زل» پیکار رستم دستان تصویر یافته است. در یک نقش دیگر که به قرن III ق.م. متعلق است تابوتی عماری مانند نقش سیاوش و سوگواری بر اوست. در تصویر دیگری نبرد سهراب و هجیر و نیز نبرد سهراب و گرد آفرید تصویر شده است.

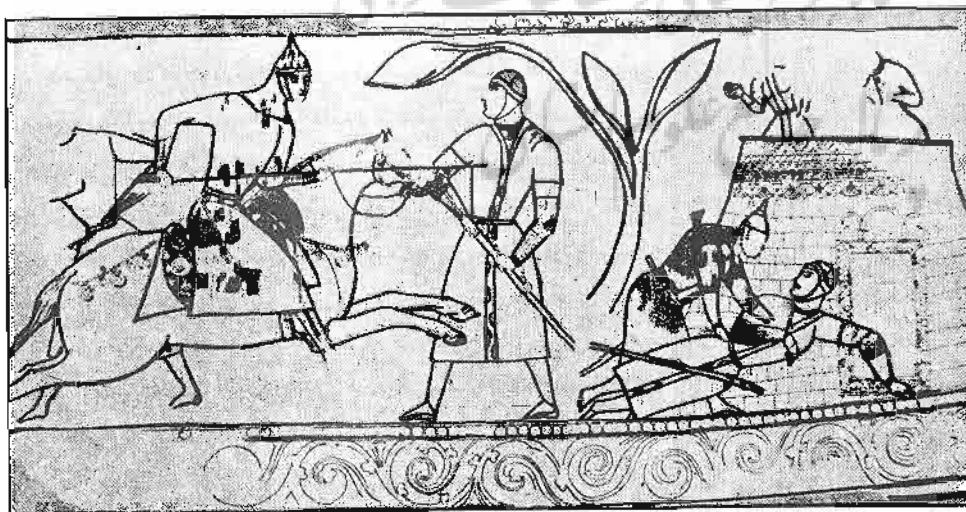
باز یافته‌های شگفت که در شهرک باستانی استروشن - پنجکت (حالا آن را قلعه قهقهه می‌نامند) بدست آمده است از هنر بسا شیوای نیاکانمان مژدگانی می‌دهد. باستان‌شناسان در اینجا قصر بزرگی را پیدا کرده‌اند که قریب دهها عمارت از جمله زل اساسی و زل خرد پذیرایی را در برمی‌گیرد. نقش و نگار یکی از بناهای این قصر که کلانترین قصر آسیای میانه است، نگارش مشهور را درباره ماده گرگ و دو کودک که به

سینه‌های وی چسبیده‌اند، خاطر نشان می‌کند. بنجکت نه تنها قصر حاکمان استروشن بلکه مسکونگاه طبقه‌های مختلف اهالی هم بود. آن قصر، صنم‌خانه^{۴۵} میدان سودا، بناهای قرارگاهی، حربی و غیره داشت. مصالح بناکاری از لای و پاخسه یا خشت خام عبارت بود. برای پوشاندن عمارت از چوب استفاده می‌کردند. بالارهای سقف و ستونها کنده کاری شده‌اند. از چوب به حیث مصالح بناکاری هیکلچدها و بت‌ها هم می‌ساختند، مثلاً همین گونه بت را اهالی قشلاق^{۴۶} «سرواد» ناحیه «عینی» یافتند که قدش یک متر بوده در تن لباس در پای افزاز، زره‌پوش و در دستش شمشیر داشت. عالمان آنرا به سده‌های VII - VIII منسوب دانستند. در سده‌های VIII - VII میلادی سیاحان ختایی^{۴۷} در سغد و تخارستان راجع به بناکاری شهرها، اسپانی‌ها^{۴۸} و قصرها، گزارش بدست داده‌اند. از جمله یکی از سیاحان از پوشاندن دیوار بیرونی کاخها با شیشه‌های شفاف خبر داده است.^{۴۹}

در سده‌های VIII - VII آسیای میانه از جمله تاجیکستان امروزی را عربها تصرف کردند. نفوذ عربها به صنعت معماری تاجیک تأثیر ضعیفانه داشت زیرا تاجیکان از نگاه تمدن از عربهای کوچی بالا بوده‌اند. آنان برخی مساجد تیب عربی بنا کردند ولی تا امروز در تاجیکستان یگان مسجد عربی پیدا نشده است. معلوم می‌شود آنها بیشتر در ساختمان بناهای جمعیتی از پلان ارک‌ها استفاده می‌کردند. مثال روشن قصر بسیار ستون صنم‌ها، در بنجکت می‌باشد که با ساختن محراب به مسجد تبدیل داده شد. مقبره حضرت بورخ در قشلاق «سنگوار» ناحیه «کامسامال‌آباد» که از روی پلان مدور است در جای ویرانه‌های ارک قدیمی ساخته شده است. در سده IX بعد از استیلای عربها دولت سامانیان در ماوراءالنهر تشکیل داده شد که آن در رشد و تکامل ملت تاجیک رونق اقتصادیات، ادبیات و صنعت و تشکل زبان ملی نقشی ناتکرار دارد. دولت سامانیان ملت تاجیک را که از اقوام سغدی، تخاری، فرغانه‌ای، خراسانی، قبایل سکاهای پامیر عبارت بودند

را تشکل داد. مدنیت شهری در این زمان نشو و نما کرد. سرچشمه‌های تاریخی از ساختمان مسجدهای جامع و بازارهای پوشانده شده خاطر نشان می‌کند.

در سده‌های X - IX صنعت بناکاری تکامل یافت و نوسازی بعمل آمد. خشت خام که پیشتر بعضاً به ندرت و آن هم به تفنن استفاده می‌شد اکنون مصالح اساسی بناهای با شکوه گردید. در خاک تاجیکستان یکی از یادگارهای آن زمان مدرسه «خواجه مشهد»^{۵۰} می‌باشد که در شهر طوس محفوظ است. بهترین نمونه‌های معماری چوبین و کنده کاری در چوب را مادر وادی «زرافشان» می‌بینیم. مثلاً محراب مسجد دیبهه «ایسکادر»، ستونهای مسجد دیبهه «آوردان کورکت»، مقبره چوبین دیبهه «چارکوه»^{۵۱} در ناحیه «اسفره» از جمله آثار زیبای چوبی است. این کنده کاریها آنچنان ماهرانه اجرا شده‌اند که دل بیننده را تسخیر می‌کنند.^{۵۲} در این دوره در هنر معماری تاجیک مقبره «دوگنبددار» پیدا می‌شود که درون آنها با نقاشی‌ها^{۵۳} یا کنده کاری آرا داده شده است. هجوم وحشیانه چنگیزیان باعث ویرانی شهر و دهات آسیای میانه و از بین رفتن آثار بسا غنی مدنیت تاجیک گردید. تاجیکان صاحب شهر ترک مکان و منزل خویش نموده در کوهساران پناه بردن را اولی شماریدند. طبق معلومات، یک قرن تمام حیات شهری قطع گردید ولی اولاد قبایل ترک و مغول که با مردم صاحب شهر تاجیک آمیزش یافته بودند به عالم به چشم دیگر نظر انداختند. آنها هنرمندان آریایی را جمع کرده در سمرقند و شهر سبز و هرات کوشکهای محتشم و مدرسه و مقبره‌های کاشین کاری شده بنا کردند که امروز هم با حسن و ملاحظت بی‌نظیر قلب جهانیان را تسخیر می‌نماید. اما این چنین معنی ندارد که هنر معماری زمان تیموریان صنعت معماری گذشته را انکار کرده باشد. برعکس معماران صاحب هنر زمان تیموری تأکید به گذشته دور و نزدیک صنعت معماری مردم تاجیک ایرانی نموده‌اند معماری تا سده XIX کم اندر کم عنصرهای نو و تازه



* نقاشیهای پنجکت (پنجکنت). تالار ۲۲ در این نقش داستان تیرد سهراب با کلاه رومی (تیغ‌دار) و هجیر با کلاه چینی (بی تیغ) مصور شده است.

در دست چپ درختچه که پاره‌های داستان را از هم جدا کرده سهراب نقش شده که با تیرزه به هجیر حمله ور گشته است.

سیک تیرزه در تیرزه انداختند که از یکدیگر باز نشناختند ستان باز پس کرد سهراب شیر بن تیرزه زد بر میانش دلیر دست راست درختچه نیز صحنه بر زمین افتادن هجیر و غلبه سهراب بر او است.

بزد بر زمینش چو یک لخت کوه به جان و دلش اندر آمد شوره ز اسب اندر آمد، نشست از برش همی خواست از تن ببرد سرش بپچید و برگشت بر دست راست غمین شد ز سهراب و زنه‌ار خواست

کسب کرد و صرف تقلیدکاری بود مسجدها و مدرسه‌های یک یا دو طبقه^{۵۴} با گلدسته‌های بی‌قفسه^{۵۵} یا قفسه‌دار پلان خاص این سده‌ها بود.

پانوشتها:

- ۱- انکشاف
- ۲- بروج
- ۳- تنالیات
- ۴- تا سالشمار ما؛ منظور آخرین سال میلادی است.
- ۵- سنگین
- ۶- سکونتگاه‌های بیضی شکل با سنگ‌های تزیین شده.
- ۷- معیسی، خواجگی و مدافهوی
- ۸- لای
- ۹- نزد کوه
- ۱۰- پახسه
- ۱۱- کودارتی
- ۱۲- تیار
- ۱۳- شفل
- ۱۴- لائینی.

مدرسه خواجه مشهد در دیهه صیاد نزدیک شهر طوس- قرن‌های VI - V

شده است شواهد باستان‌شناسی گواه آن است که معبد اکس در قرن چهارم ق.م بنا شده و در عهد دولت متسقل «یونان و باختر» پارها تعمیر و ترمیم گردیده است. ظاهراً در کنار معبد زرگرانی به کار مشغول بودند که برای زائران، موافق با سلیقه‌شان کار می‌کردند.

- | | | | | | |
|--------------------|-------------------|-----------|------------------|----------------|----------------|
| ۲۶- سرچشمه‌های خطی | ۲۷- کوروش شهر | ۲۸- تختیک | ۲۹- بناهای اساسی | ۳۰- نمود | ۳۱- ارک |
| ۳۲- حویلی | ۳۳- الی نیزم شرقی | ۳۴- کارنف | ۳۵- هیکل | ۳۶- سیرشمار | ۳۷- راست کنجه |
| ۳۸- زل | ۳۹- زینه | ۴۰- کدنام | ۴۱- کانسروکسیا | ۴۲- کانسروکسیا | ۴۳- کانسروکسیا |

۴۴- هولبوک: در نزدیکی دهکده قریان شهید، ناحیه واسع واقع است. طبقات پایینی شهرک هولبوک متعلق به سده‌های ۸-۷ میلادی است. این شهرک تا سده ۱۱ میلادی آباد بوده است هولبوک در ردیف سمرقند بخارا و مرو بوده و مرکزیت تجاری و اجتماعی و سیاسی ناحیه کوهستان تاجیک (ختل) را دارا بوده است. خشت چینی‌های شکیل، پنجره‌های توری مانند ظریف از گچ و آبیگنه‌های نفیس از جمله آثار بدست آمده از این شهرک باستانی است.

۴۵- بتخانه
۴۶- روستا. شاید تحریف شده «کشتلاخ» به معنای «کشتزار» باشد.
۴۷- چینی
۴۸- به نظر خانم سمیرنوا زبان‌شناس سغد، اسپانی یا ایتنی هم‌ریشه با «اسپنج» فارسی به معنای رباط و کاروانسرا است. در عهد «دیوشیخ» حاکم سغد و پنجکنت در سرچشمه رود زرافشان یک تعداد اسپانی، وجود داشت که اموال دولتی متعلق به وی در آنجا توسط خادمان دیوانی حفظ و اداره می‌شد.

۴۹- اگر منظور از دیوارهای بیرونی، سطح خارجی بناست شاید که شیشه‌های شفاف نبوده بلکه نوعی سفال لعابدار یا موزائیک برآق بوده است.

۵۰- مدرسه خواجه مشهد در دیهه صیاد نزدیک شهر طوس واقع در جنوب تاجیکستان متعلق به قرون ۱۱-۱۰ میلادی می‌باشد.

۵۱- چارکوه: این مقبره که سراسر از چوب ساخته شده و با نام حضرت شاه یا حضرت بابا معروف است دارای پیشطاق (سردر) رفیع مزین به خط عربی است. این مزار بین قرن‌های ۱۲-۱۰ ساخته شده و منتسب به یکی از نیره‌گان امام حسن (ع) است.

۵۲- در معماری چوبین سقف را به شیوه «قبضه و فرومان» می‌سازند. بدین گونه که چوبها در هم فرو می‌روند و یکدیگر را نگه می‌دارند. هنوز هم در تاجیکستان ستونهای خانه‌ها و مساجد از چوب تهیه می‌گردد که ستونهای چوبی مساجد دوگانه‌اند: ۱- لاله‌ای، ۲- کوزه‌ای

۵۳- رسمها
۵۴- آشیانه
۵۵- قفسه: تاج یا کلاهک انتهایی گلدسته. در ماوراءالنهر گلدسته‌ها عموماً این کلاهک را ندارند و اصطلاحاً نعلیکی شکل‌اند.

۱۵- سرزم: این محل توسط آ. اسحاقوف حضاری آن هنوز ادامه دارد. سرزم مربوط به قرون ۴-۲ ق.م است. بناهای مسکونی و حکومتی و عبادتگاههایی متعلق به «آتش پرستان» و نیز دخمه‌ها، آلات آرایشی و زیورآلات لاجوردی و عقیقی از ویژه آثار این محل است. آثار بدست آمده از سرزم آن است که مدنیت سرزم مبتنی بر کشاورزی بوده و با شرق نزدیک ایران و هندوستان در ارتباط بوده است.

- | | | | | |
|---------------|----------------|------------|--------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱۶- اکسپدیسیا | ۱۷- تپالوگی | ۱۸- درکنار | ۱۹- چارمغزی | ۲۰- هواناغ: نام دیگر آن نور تپه است. تاغ تلفظ داغ (کوه) در ترکی شرقی است. |
| ۲۱- قطاری | ۲۲- شقت یک لخت | ۲۳- بالار | ۲۴- استقامتی | ۲۵- تخت سنگین: آن، محل کشف گنجینه آمودریا (جیحون) است. حفاریات اخیر باستان‌شناسان تاجیک و روس که منجر به کشف اشیاء زرین همانند گنجینه جیحون شد این موضوع را تأیید می‌نماید. تخت سنگین شهرکی باستانی است در نزدیکی ناحیه قبادیان آنجا که دو رود و خش و پنج به هم می‌پیوندند. در محل یاد شده معبدی با پلان آتشگاههای پارسی یعنی بنایی با چهارستون و صفای در میان یافت شد که به خدای «اکس» (وخش) تعلق داشت و گنجینه هدایی این خدا و این معبد بود. گنجینه شامل گوشواره‌ها و دستینه‌ها، مسکوکات طلا و لوحه‌های زرین که بر آنها تصاویر حک کرده‌اند ظاهراً در سال ۱۸۲۷ توسط مردمان محلی کشف و به سه بازرگان بخارایی وضع‌الدین، غلام محمد و شکور علی فروخته می‌شود. این سه بازرگان قصد داشتند آنها را راولپندی هندوستان آن روز بفروشند اما در میانه راه گنجینه به دست راهزنان قبیله گنزابی افغان به غارت رفت. با این حال چندی بعد دوباره بدست بازرگانان افتاد و بصورت پراکنده بفروش رسید. قسمتی از گنجینه توسط افسر انگلیسی ف. برتان خریداری و به انگلستان منتقل شد. قسمت اعظم آثار طلایی گنجینه از سوی آ. فرینکا موزه‌دار شعبه آثار باستانی بریتانیا و قرون وسطی موزه بریتانیا که به قصد سیاحت به هندوستان آمده بود خریداری شد که پس از چندی آنها به موزه بریتانیا هدیه کرد اولین خیرها در مورد این گنجینه افکار و دقت باستان‌شناسان را در انگلیس و روسیه به خود معطوف ساخت. اینکه این گنجینه کجا ساخته شده است؟ متعلق به که بوده است؟ و برای چه ساخته شده است؟ پرسشهایی بود که آنروزها در جراید مطرح شد. معلومات کامل پیرامون این آثار را آ. ف. دلتان نگهبان گنجینه جیحون در موزه بریتانیا طرح کرده است. این گنجینه سه بار در سالهای ۱۹۰۵، ۱۹۲۶، ۱۹۶۴ به نمایش عمومی درآمد و ۱۵ سال پس از کشف آن کاتالوگی توسط ی. ویزمیل کارمند موزه ارمیتاژس پترزبورگ تهیه شد. چندی پیش برای اولین بار گنجینه متعلق به موزه بریتانیا و گنجینه جیحون متعلق به موزه باستان شناسی و مردم شناسی تاجیکستان که بالغ بر ۵۰۰۰ قطعه شیء می‌شد، متفقاً در نمایشگاهی واقع در آلمان فدرال به معرض دید عموم درآمد. |

۲۵- تخت سنگین: آن، محل کشف گنجینه آمودریا (جیحون) است. حفاریات اخیر باستان‌شناسان تاجیک و روس که منجر به کشف اشیاء زرین همانند گنجینه جیحون شد این موضوع را تأیید می‌نماید. تخت سنگین شهرکی باستانی است در نزدیکی ناحیه قبادیان آنجا که دو رود و خش و پنج به هم می‌پیوندند. در محل یاد شده معبدی با پلان آتشگاههای پارسی یعنی بنایی با چهارستون و صفای در میان یافت شد که به خدای «اکس» (وخش) تعلق داشت و گنجینه هدایی این خدا و این معبد بود. گنجینه شامل گوشواره‌ها و دستینه‌ها، مسکوکات طلا و لوحه‌های زرین که بر آنها تصاویر حک کرده‌اند ظاهراً در سال ۱۸۲۷ توسط مردمان محلی کشف و به سه بازرگان بخارایی وضع‌الدین، غلام محمد و شکور علی فروخته می‌شود. این سه بازرگان قصد داشتند آنها را راولپندی هندوستان آن روز بفروشند اما در میانه راه گنجینه به دست راهزنان قبیله گنزابی افغان به غارت رفت. با این حال چندی بعد دوباره بدست بازرگانان افتاد و بصورت پراکنده بفروش رسید. قسمتی از گنجینه توسط افسر انگلیسی ف. برتان خریداری و به انگلستان منتقل شد. قسمت اعظم آثار طلایی گنجینه از سوی آ. فرینکا موزه‌دار شعبه آثار باستانی بریتانیا و قرون وسطی موزه بریتانیا که به قصد سیاحت به هندوستان آمده بود خریداری شد که پس از چندی آنها به موزه بریتانیا هدیه کرد اولین خیرها در مورد این گنجینه افکار و دقت باستان‌شناسان را در انگلیس و روسیه به خود معطوف ساخت. اینکه این گنجینه کجا ساخته شده است؟ متعلق به که بوده است؟ و برای چه ساخته شده است؟ پرسشهایی بود که آنروزها در جراید مطرح شد. معلومات کامل پیرامون این آثار را آ. ف. دلتان نگهبان گنجینه جیحون در موزه بریتانیا طرح کرده است. این گنجینه سه بار در سالهای ۱۹۰۵، ۱۹۲۶، ۱۹۶۴ به نمایش عمومی درآمد و ۱۵ سال پس از کشف آن کاتالوگی توسط ی. ویزمیل کارمند موزه ارمیتاژس پترزبورگ تهیه شد. چندی پیش برای اولین بار گنجینه متعلق به موزه بریتانیا و گنجینه جیحون متعلق به موزه باستان شناسی و مردم شناسی تاجیکستان که بالغ بر ۵۰۰۰ قطعه شیء می‌شد، متفقاً در نمایشگاهی واقع در آلمان فدرال به معرض دید عموم درآمد.

حفاریات اخیر در جنوب تاجیکستان که به رهبری ی. پیچکین صورت گرفت و کشف آثاری مشابه آنچه گنجینه جیحون خوانده شده بود فرض شرق‌شناس دکتر بی. استاویسکی درخصوص آنکه گنجینه در همین شهرک تخت سنگین یافت شده است را اثبات ساخت. اینکه آثار از لحاظ اسلوب ساخت و شکل ناهمگون‌اند شهادت از آن می‌دهد که آنها را هر کس و از هر جا به قصد نذر به معبد اکس آورده است. همانند این معبد در «آی خانم» افغانستان نیز کشف

